





دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

عنوان:

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی

با موضوع:

بررسی رابطه میزان مراجعه افراد به مراکز مشاوره و مددکاری

اجتماعی ناجا با افزایش اعتماد آنها به این مراکز

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سام آرام

استاد مشاور:

سرکار خانم دکتر فریبا شایگان

پژوهشگر:

ابراهیم عبدالله صفت

عنوان:

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مددکاری اجتماعی

با موضوع:

بررسی رابطه میزان مراجعه افراد به مراکز مشاوره و مددکاری

اجتماعی ناجا با افزایش اعتماد آنها به این مراکز

استاد راهنما

جناب آقای دکتر عزت اله سام آرام

استاد راهنما

سرکار خانم دکتر فریبا شایگان

نگارنده

ابراهیم عبدالله صفت

ای نسخه نامه الهی

که تویی

و ای آینه جمال شاهی

که تویی

بهرون ز تو نیست آنچه در عالم هست

از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

تقدیم به

خانواده عزیزم

و

ماورج

که همچو شمعی بی پروانه همواره می سوزد...

چکیده:

در سنجش مفاهیم حوزه علوم انسانی بدلیل حساسیت موضوعات و احتمال وجود متغیرهای پنهان از دید محقق باید گامهای تحقیق را یکی پس از دیگری و با احتیاط برداشت. و معمولا کار در ابتدا با یک سوال در ذهن محقق بوجود آمده و سپس رفته رفته واضح تر و به سوی سنجش ادامه پیدا می کند. در این پژوهش سوال اولیه این بود که آیا به هر میزان که تعداد مراجعات فراد به مرکز مشاوره بیشتر می شود، اعتماد آنها نیز بیشتر می شود؟

سپس با نگارش کلیات مرتبط با موضوع مورد نظر و نیز ارائه بیان مسئله و نیز هدف و انگیزه پژوهش فصول اول و دوم نگاشته شد. سپس از میان نظریات موجود در زمینه اعتماد جهت انتخاب متغیرهای مورد نظر جهت سنجش مفهوم مورد نظر از میان نظریات موجود نظریه آنتونی گیدنز، نظریه جیمز کلن و نظریه جورج زیمل انتخاب شدند و مفاهیم به صورت مجزا و مفصل در فصل سوم تعریف نظری و عملیاتی شدند و همچنین گویه های متناسب با این متغیرها با راهنمایی اساتید محترم راهنما و داور انتخاب و اقدام به تدوین پرسشنامه یا ابزار جمع آوری اطلاعات شد. جامعه آماری مورد نظر مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی نیروی انتظامی بود که از میان ۱۰ مرکز ۵ مرکز که بصورت روزانه مراجع داشتند انتخاب گردید. و در مجموع با همکاری مراکز در مدت یک ماه ۱۴۳ پرسشنامه تکمیل شد. سپس داده ها از طریق نرم افزار spss تحلیل شدند و همه فرضیات تایید شدند.

و همچنین در فصل چهارم نتایج تجزیه و تحلیل داده ها به همراه جداول و نمودارهای مورد نیاز نگاشته شد و در پایان یعنی فصل پنجم نتیجه گیری، پیشنهادات و پیوستهای لازم ضمیمه کار گشته است.

همچنین بر خود لازم میدانم که از زحمات کسانی که در انجام این کار مشوق اینجانب بوده اند مراتب قدردانی و سپاسگذاری خودم را اعلام نمایم و از اساتید گرانقدر جناب آقای دکتر سام آرام استاد راهنمای رساله حاضر و سرکار خانم دکتر شایگان که با مشاوره های حمایتگرانه خود ما را یاری دادند و همچنین از جناب آقای دکتر حسینی که داوری این کار را بر عهده گرفتند کمال قدردانی و تشکر را داشته باشم. امیدوارم که کار حاضر مقبول اندیشمندان جامعه علمی و بویژه جامعه مددکاران اجتماعی قرار گیرد. و از عزیزان و متفکران این حوزه درخواست می شود که در صورت داشتن انتقاد یا پیشنهادی در این زمینه ما را از راهنماییهای خود بی بهره نفرمایند.

Abdolahsefat62@gmail.com

باتشکر

ابراهیم عبدالله صفت

فهرست مطالب

۱۳	فصل اول: کلیات پژوهش
۱۴	۱-۱- مقدمه
۱۵	۱-۲- بیان مسئله
۱۶	۱-۳- انگیزه پژوهشگر
۱۷	۱-۴- هدف و فایده پژوهش
۱۸	۱-۵- اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۹	فصل دوم: ادبیات موضوع
۲۰	۲-۱- مقدمه
۲۱	۲-۲- تاریخچه موضوع در ایران و جهان
۳۷	۲-۳- مبانی نظری
۳۲	۲-۴- مروری بر پژوهشهای انجام شده
۹۹	۲-۵- بیان چهارچوب نظری
۱۰۱-۱۰۲	۲-۶- سوالات و فرضیات پژوهش
۱۰۳	۲-۷- الگوی نظری پژوهش
۱۰۴	فصل سوم: روش پژوهش
۱۰۵	۳-۱- مقدمه
۱۰۶	۳-۲- روش پژوهش
۱۰۶	۳-۳- جمعیت آماری و روش نمونه گیری
۱۰۷	۳-۴- واحد پژوهش
۱۰۷	۳-۵- ابزار پژوهش و روش جمع آوری اطلاعات
۱۰۷	۳-۶- روش تجزیه و تحلیل داده ها

۱۰۸	۳-۷- تعریف نظری و عملیاتی مفاهیم
۱۱۷	فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها
۱۱۸	۴-۱- مقدمه
۱۱۹	۴-۲- جداول و تبیین جداول
۱۳۰	۴-۳- نمودارها
۱۳۱	۴-۴- جداول و نتایج توصیفی
۱۴۱	۴-۵- محدودیت های پژوهش
۱۴۲	فصل پنجم: نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۴۳	۵-۱- مقدمه
۱۴۶	۵-۲- نتیجه گیری
۱۴۹	۵-۳- پیشنهادات
۱۵۰	۵-۴- منابع و پیوستها

فهرست جداول

۴۷	خلاصه آرای زیمل در باره فرد و جامعه	جدول ۱-۲
۴۷	خلاصه آرای زیمل در مورد کنش و ساختار	جدول ۲-۲
۵۸	خلاصه آرای وبر در باره فرد و جامعه	جدول ۳-۲
۵۸	خلاصه آرای وبر در باره کنش و ساختار	جدول ۴-۲
۷۰	انگیزه ها برای امین و اعتماد کننده در روابط اعتماد	جدول ۵-۲
۷۲	انواع واسطه در روابط اعتماد از نظر کلمن	جدول ۶-۲
۶۶-۶۷	محیط های مخاطره و اعتماد در دوران پیش از مدرن و مدرن	جدول ۷-۲
۱۰۹	گویه های مصرف رسانه ای افراد	جدول ۱-۳
۱۱۰	گویه های اعتماد بنیادین	جدول ۲-۳
۱۱۱	گویه های اعتماد متقابل	جدول ۳-۳
۱۱۲	گویه های احساس امنیت	جدول ۴-۳
۱۱۳	گویه های ارزیابی از ساختار سازمانی	جدول ۵-۳
۱۱۴	گویه های ارزیابی از کارگزاران اداری	جدول ۶-۳
۱۱۵	ضریب پایایی متغیرهای تحقیق	جدول ۷-۳
۱۱۶	میانگین و انحراف معیار متغیرهای مستقل	جدول ۱-۴
۱۱۷	نتایج گویه های مصرف رسانه ای	جدول ۲-۴
۱۱۸	نتایج گویه های احساس امنیت	جدول ۳-۴
۱۱۹	نتایج گویه های اعتماد بنیادی	جدول ۴-۴

۱۲۰	گویه های ارزیابی از مرکز مشاوره	جدول ۴-۵
۱۲۱	گویه های مربوط به مراجع محوری	جدول ۴-۶
۱۲۲	گویه های ارزیابی از کارکنان مرکز	جدول ۴-۷

نمودارها

۴۸	نوع اول مدل اساسی وبر	نمودار ۲- A
۵۴	تصور وبر از تحولات درونی نظام جوامع	نمودار ۲- B
۱۳۱	توزیع جنسی پاسخگویان	نمودار ۴- A
۱۳۲	توزیع تحصیلات پاسخگویان	نمودار ۴- B
۱۳۳	توزیع وضعیت تاهل پاسخگویان	نمودار ۴- C

فصل ۱

کلیات

مقدمه:

مشاوره به عنوان یکی از روشهای عمده در مددکاری اجتماعی کاربرد دارد. مددکار اجتماعی از طریق مشاوره می تواند با تدابیر و روشهایی که بکار می گیرد، تغییر قابل توجهی در زمینه های رفتاری و دیگر خصوصیات مددجو یا فرد دارای مشکل بوجود آورد. مددکاری اجتماعی با تاثیر گذاشتن بر افراد و به وجود آوردن تغییر در آنها در ارتباط است. این جریان از طریق بکارگیری مهارتهای شخصی و سازمانی صورت می گیرد. واژه مشاوره در برگیرنده هر دو نوع فعالیت یاد شده می باشد. اینکار، یعنی مشاوره از طریق برقراری ارتباط و به دنبال مشاهده، یاگوش دادن و پاسخگویی صورت می گیرد. به همراه این جریان، حل مسئله، تصمیم گیری و مذاکره صورت می گیرد (یعنی با مددجویان چنین رابطه ای برقرار می شود) مددکاری اجتماعی با استفاده از روشهای نوین سعی می کند به نحوی به مددجو کمک کند که او بتواند با اتکاء به نفس جریان عادی زندگی خود را دنبال کند و بیشتر تلاش مددکاری از طریق مشاوره و مصاحبه و تعلیم آن برای اتکای به نفس در مددجویی باشد. (شیخی، ۱۳۸۲: ۱۸۱)

در دنیای پر تلاطم امروز، پیچیدگی فرایند زندگی و همچنین تغییرات سریع گاهی اوقات باعث می شود افراد در اجرای نقشهای خود دچار بحران یا به تعبیر دیگر دچار کژکارکردی و سر درگمی در نقش شوند، بنابراین تلاش برای اجتماعی شدن مجدد افراد (Resocialization) و برگرداندن آنها به آغوش جامعه در طول زمان سبب شکل گیری سازمانها و مراکز جهت راهنمایی و کمک به این افراد شده است. یکی از این مراکز که بصورتهاى مختلف خصوصي و دولتي در سطح جامعه در جهت خدمت رسانی به افراد تاسیس شده است، مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی می باشد که مشابه این مراکز را در نیروی انتظامی می توان دید که در ادامه با نقش آنها بیشتر آشنا خواهیم شد..

بیان مسئله

رابطه ی اجتماعی اساساً برقرار نمیشود مگر اینکه شرایط شکل گیری آن فراهم آمده باشد یکی از این شرایط اعتماد متقابل میان افرادی است که میخواهند وارد تعامل شوند یعنی اعتماد بوجود آمده بصورت متقابل می باشد چون استفاده از اصطلاح تعامل نشان دهنده دو طرفه بودن رابطه می باشد و همین اعتماد متقابل اجتماعی خود یکی از عناصر نظم اجتماعی است ، نظمی که روابط ، مناسبات ، اعمال ، رفتار که کنشهای کنشگران را پیش بینی پذیر، الگومند و قاعده مند می کند .

اعتماد یکی از وجوه سرمایه اجتماعی است که وحدت را در سیستم های اجتماعی ایجاد و حفظ نموده و ارزش های دموکراتیک را پرورش می دهد و بدین ترتیب مقبولیت و اثر بخشی نهاد های دموکراتیک را افزایش میدهد، همچنین بنا به ماهیت سازمانهای ارائه دهنده خدمات (مانند مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی نیروی انتظامی) با این فرض که سازمانها، سازه هایی اجتماعی اند که در تعامل گسترده با افراد و گروههای مختلف جامعه و در یک بستر فرهنگی، اجتماعی خاص ساخت یافته اند ، می بایست انتظار داشت که بخشی از کارایی و کارآمدی و موفقیت این سازمان ها به نحوی نیازمند اعتماد اولیه به کارایی این سازمانها می باشد: بنابر نظر برخی متفکرین معاصروضع اعتماد در جامعه شرایط مناسبی ندارد و عوامل متعددی در پائین بودن سطح اعتماد خصوصاً در برخی سازمان ها و ارگانها در ایران امروز دخیل باشند .

از جمله :

۱) به لحاظ تاریخی ساخت قدرت آمرانه و حکومت استبدادی علیرغم ورود عناصر تازه مثل قانون اساسی و پارلمان و نیز نظامهای تخصصی خیلی تغییر نیافته و فضایی را به قول دکتر بشیریه به نام ((فرهنگ سیاسی تابعیت)) بوجود آورده که چنین فرهنگی توانایی افراد در همکاری و اعتماد متقابل را در آنان تضعیف می کند . (بشیریه ۱۳۷۵ : ۷۸)

۲) عدم توجه به سازمان های غیر دولتی (NGO) و داوطلبانه که نهادی واسط بین دولت و مردم هستند ، نیز این شکاف را تشدید کرده است و خود علت دیگری در عدم تبدیل نظارت دولتی به نظارت اجتماعی و در نتیجه عدم بهبود کارایی و عملکرد سازمان های اداری شده است .

۳) اگر به مجموعه عوامل فوق تغییر رویکردهای اقتصادی و سیاست تعدیل ساختاری را که در بعد از جنگ تحمیلی گزینه مطرح بوده است را اضافه کنیم به طور خلاصه میتوان گفت عوامل کاهش اعتماد اجتماعی را برشمرده ایم عامل اخیر از یک طرف باعث افزایش سطح نیازها و از طرف دیگر به دلیل محدودیت امکانات، دسترسی به اهداف و ارزشهای مطرح شده باعث تضعیف ارزشهای مذهبی گردیده و همه ی افراد کم و بیش به دنبال دستیابی به ابزار مادی به هر وسیله ای سوق داده شدند که خود در کاهش سطح اعتماد عمومی مؤثر بود (رفیع پور ۱۳۷۸: ۱۵۷)

همچنین در پاره ای تعریف ها از سرمایه اجتماعی به نهاد های سطح جامعه اشاره شده است و همچنان که میدانیم در جامعه چند نهاد اصلی تا کنون شناخته شده است :

الف) خانواده ب) آموزش و پرورش ج) اقتصاد د) سیاست (قدرت) و) دین

با توجه به این نهادها در پژوهش حاضر از یک طرف مؤلفه ای به نام اعتماد و مهمتر از آن، این مؤلفه در سازمانی اجتماعی به نام نیروی انتظامی که مأموریت اصلی آن برقراری نظم و امنیت در سطح جامعه است و خود زیر مجموعه ی یکی از نهادهای اصلی جامعه به نام نهاد سیاست و قدرت است مورد بررسی قرار می گیرد. لازم به ذکر است که این سازمان از طریق مجاری مختلفی در بطن جامعه با مردم ارتباط مستقیم دارد (کلانتری ها، راهنمایی و رانندگی، پلیس+۱۰ و....). یکی از این مجراها مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی است که جهت ارائه خدمات مختلف مشاوره و مددکاری اجتماعی به جامعه راه اندازی شده است، همچنین با توجه به اینکه مراجعه فیزیکی افراد به مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی ناجا نیازمند اعتمادی هرچند بصورت مقدماتی و شاید نه چندان پایدار است می توان گفت در صورتی که فرد در مراجعات اولیه و مراجعات بعدی خود اعتماد و اطمینان اش به مرکز بیشتر شده باشد، از این طریق می توان به بازسازی و شکل دهی ذهنیات و باورهایش هم درباره خود و هم جامعه پرداخت و از راههای مختلف افراد را جهت چاره جویی و حل مسائشان به مراکز مشاوره دعوت نمود و با توجه به اینکه میزان اثربخشی و کارایی سازمانهای مختلف در جامعه مخصوصاً مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی ناجا که عموماً با افراد جامعه سروکار دارد، به وجود عناصر اعتماد متقابل و اعتماد نهادی بین افراد و سازمان وابسته است، می توان گفت و لازم به رشد کارایی هرچه بیشتر مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی ناجا و حتی خود ناجا به میزان اعتماد افراد به آنها بستگی دارد چون به هر میزان اعتماد افراد به آنها پایین باشد میزان مراجعات آنها کمتر بوده (فرضیه اصلی تحقیق) و شاید اصلاً به این مراکز مراجعه ننمایند. و نیز با توجه به فلسفه تاسیس این مراکز که ارائه خدمات مختلف جهت حل مسائل و مشکلات افراد

وتاثیر گذاری بر سبک زندگی و فکری افراد جامعه است، در گام اول این مراکز دچار سستی و شکاف بین اهداف و وضعیت موجود خود خواهند شد.

با توجه به اینکه یکی از بخش های مهم در امر خدمت رسانی به هموطنان در نیروی انتظامی مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی زیر نظر معاونت اجتماعی می باشد و همه روزه و بصورت مستمر شمار زیادی مراجع پذیرش می کنند نگارنده در نظر دارد کار تحقیقی را با موضوع :

بررسی رابطه میزان مراجعه افراد به مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی ناجا با افزایش اعتمادشان به این مراکز را به انجام برساند.

هدف و فایده تحقیق:

بطور کلی طی مراحل و فرایند یک تحقیق بخاطر رسیدن به هدف یا اهدافی است که محقق بدنبال رسیدن به آنهاست. در پژوهش حاضر هدف اصلی شناخت میزان تاثیر گذاری مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی ناجا بر اعتماد مراجعین شان در مراجعات بعدی می باشد و همچنین میتوان از رهگذر اینکار به اهداف دیگری همچون بررسی ویژگیهای شخصی افراد و ارتباط آن با میزان اعتماد آنها، سنجش میزان اعتماد بنیادی کسانی که به این مراکز مراجعه می کنند، ارزیابی افراد از کارکنان مراکز مشاوره، ارزیابی آنها از ساختار سازمانی مرکز مشاوره، مقایسه میزان مراجعه زنان و مردان، همچنین کیفیت خدمات ارائه شده در این مراکز، میزان رضایت آنها از مراجعه به این مراکز و ارزیابی انتظارات آنها از نیروی انتظامی رسید. امید است که در این راه با رعایت اصول وقواعد علمی روش تحقیق پیمایشی بتوانیم به اهداف مورد نظر دست یابیم و کار مورد نظر مورد تایید اساتید و دانشمندان این حوزه قرار گیرد.

اهمیت و ضرورت موضوع:

اعتماد به مفهوم عام آن عنصر اساسی سرمایه اجتماعی است، اعتماد به خویش، اعتماد به دیگران و اعتماد به نهادهای مدنی وجوه مختلفی از اعتماد می باشند که فقدان هر یک از آنها نوعی رفتار خاصی ایجاد می کند. تاکید بر مفهوم اعتماد به عنوان عامل استحکام تعهدات بین افراد و گروهها و نیز مشارکت آنها در حیات اجتماعی نکته قابل توجهی است که ارتباطی گریز ناپذیر با برنامه های توسعه و رفاه دارد. اعتماد زیر ساختی ضروری برای ایجاد زیر ساختهای دموکراسی و نیز سازمانهای پیچیده ایست که فعالیتهای کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر آن تکیه دارند. و با توجه به اینکه نیروی انتظامی بعنوان یکی از ارکان مهم در برقراری نظم و امنیت در جوامع می باشد، لازم می نماید که در میان جامعه و در اذهان جایگاه مناسب و شایسته ای داشته باشد تا برنامه ها و ماموریت های خویش را با تکیه بر نیروی عظیم مشارکت مردم و نهادهای سطح جامعه به خوبی پیش ببرد. و هر از چندگاهی باید این جایگاه در میان جامعه (اگرچه با شاخصها و مولفه های مختلفی هم که باشد) مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد تا پیشرفت ها و فرایندها روبرو جلوی برنامه ها آشکار شده یا اگر کاستی هایی هم وجود داشته باشد با برنامه ریزی درست به همراه کارشناسان و متخصصین جامعه شناسی و مددکاری اجتماعی و سایر تخصص های مرتبط شناسایی و مرتفع گردد. از آنجا که درون مایه حرفه مقدس مددکاری اجتماعی ایجاد ارتباط اولیه با فرد بر پایه اعتماد متقابل در جهت کمک حرفه ای به افراد و بازسازی اعتماد آنها نسبت به جامعه و نیز توانمندسازی آنها جهت اعتماد مجدد جامعه به ایشان می باشد، بنظر میرسد مراکز مشاوره و مددکاری اجتماعی ناجا در زمینه ی جلب یا افزایش اعتماد افراد جامعه می توانند گامهای مهم و استواری بردارند و این مطالعه قصد دارد تا ضمن حفظ رویه علمی و برخورداری از واقع گرایی گامی در این جهت برداشته باشد.

فصل ٢

ادبيات موضوع

مقدمه:

از دو دهه گذشته (۱۹۹۰) تا بحال مساله اعتماد از نظر جامعه شناسي بر سرزبانها افتاده است. مطالعات جامعه شناسي در مورد اعتماد درمقایسه با مفاهيم روانشناسي اجتماعي، اقتصاد يا علوم سياسي از استقلال قابل ملاحظه اي برخوردار بوده و از جنبه علمي و نظري داراي زمينه هاي متنوعي است. اين مطالعات از رویکردهاي نظري و روش شناختي مختلف همانند تنوري انتخاب عقلائي، فرهنگ گرايي، کنش متقابل نمادين و پديدارشناسي وغيره نشات مي گيرد. (زتومگا، ۱۳۸۴:خ)

باوجود تفاوتهايي که بين رویکردهاي مختلف وجود دارد، بايد از لزوم اعتماد و حضور آن در همه روابط انساني و عدم امکان برقراري روابط اجتماعي پايدار بدون برخي از عناصر و معاني مشترك سخن گفت.

تاریخچه موضوع در ایران و جهان:

از زمانی که بحث اعتماد بطور جدی در جوامع مطرح گردیده است زمان زیادی نمی گذرد. اولین کسانی که بطور جدی به عنوان اندیشمندانی شناخته شده اند که تلاشهایشان باعث رشد در ارائه مقالاتی در زمینه اعتماد گردید، نیکلاس لوهمن در سال ۱۹۷۹ و برنارد باربر در سال ۱۹۸۳ می توان نام برد. متأسفانه به مانند دیگر مسائل تاریخی در اسناد موجود کمتر به روابط بین عامه مردم پرداخته شده است و آنچه موجود است بیشتر به رابطه بین دولتهای سیاسی با یکدیگر و رابطه این دولتها با مردم و برعکس پرداخته شده است. با این اوصاف با نگاهی دقیق تر به آثار به جامانده از تاریخ و سرگذشت پیشینیان به پاره ای از مسائل می توان پرداخت.

در جوامع سنتی و قدیم به علت روابط محدود و شناخت یکدیگر، شاید بحث اعتماد دیده نشده باشد، لیکن هنگام ورود فرد غریبه به جمع این بحث نمود می یافت، چنانکه بارنز می نویسد: "قوم وانیکا از بیگانه ای که به سبک آنها کلبه سازی نمی کرد و یا لباسی متفاوت از لباس آنها می پوشید، به خاطر اینکه آداب و رسوم آنها را رعایت نمی کرد از او دوری می گزیدند." از آنجا که نیروی انسانی برای هر حکومتی از اولیتهای فکری حکومتها بوده است و وجود نظم و انسجام در بین نیروی انسانی و بخصوص لشکریان از خواسته های تمامی حکمرانان بوده و هست و از طرفی لازمه هرگونه نظامی وجود روابط مبتنی بر اعتماد است، از اینرو همواره حکومتها سعی کرده اند این اعتماد و نظم را به هر نحوی ایجاد کنند، چه با زور و اجبار زیر دستان و چه طلسم آنها با اعتقادات و باورهای خودشان. اجتماعات مصری بنابراین اعتقاد که مصر یک سرزمین خدایی است و فرعون خود، خدایی واسط بین دو عالم می باشد بنابراین سعی در تقدیس فرعون و فرمانهای وی داشتند تا از این طریق با طلسم افراد در میان باورهای خود آنها را وادار به فرمانبرداری کنند، این مساله تا حدی رشد کرد که نهاد مذهبی جایگاه رفیعی در حکومت مصریان یافت. این اتفاق در مورد ایرانیان نیز رخ داده است، بطوریکه مقام مذهبی جزو رده های بالای اجتماعی در حکومت ساسانیان محسوب گردید، با این اوصاف این راهها عمر طولانی نداشت به طوری که در احوال حکومت یزد گرد سوم آخرین پادشاه ساسانی می نویسند "با حمله اعراب مسلمان به ایران با آنکه نیروهای پارسی بسیار مسلح بودند، چون اعتماد مردم به آنها سلب شده بود، نه تنها کمک شایان توجهی به حکومت خود برای مقابله با مهاجم خارجی نکردند، بلکه در مواردی دروازه های شهر را به سوی دشمن باز نمودند. آنطور که راوندی (۱۳۴۱) و صبحی (۱۳۴۹) می نویسند: به علت عدم وجود اعتماد و اطمینان در بین حکام ایرانی به زیردستان، تشکیل اولین سازمانهای جاسوسی را باید متعلق به آنها دانست. بطوریکه

ساسانیان شبکه های جاسوسی قوی برای اطلاع از احوال صنوف ایجاد کرده بودند. (صبحی ۱۳۴۹، ۷۴) ایران از قدیم الایام کشوری با ملتی متنوع و از فرهنگها و شیوه های زیست، مذهب و زبان های مختلف بوده است. ملتی که دارای پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی و مذهبی در بین اجزای خود بوده است، اما کلیت یکپارچه آن تحت تاثیر عوامل مختلف داخلی و خارجی با چالشهایی مواجه شده است. با این اوصاف مساله حفظ، تداوم و ارتقای همبستگی و وحدت همواره به عنوان يك هدف استراتژیک مورد توجه همه حکومتهاي ایران بوده و هست. آنچه در ارتباط با کشمکش ها و پیوندهای افراد بعد از اسلام در ایران مفهوم پیرنگی می یابد، بحث قوم و قومیت گرایی در ایران است. تقابل دوگانه ایل و حکومتها در ایران نشان می دهد که چگونه ایندو در ارتباط دائم بوده اند، ارتباطی که لزوما کشمکش آمیز نبوده است.

تفاوتهاي عمده اي بين حكومت واقوام در ایران و غرب وجود دارد. بطوریکه به اذعان بسیاری از محققان مدل تضاد میان وضع قبیله ای و وضع حکومتی نمی تواند نشان دهنده روابط پیچیده موجود میان ایلات و دولتها در تاریخ ایران باشد. بدین منظور نمونه های بسیاری در تاریخ ایران مشاهده می شود که از يك طرف برای جلب حمایت ایل از سوی دولت و از طرف دیگر برای به رسمیت شناختن يك ایل و ریاست آن از جانب ایل تلاشهاي وسیعی صورت گرفته است، بطوریکه فتحعلي شاه قاجار شبکه ای از وابستگی های خویشاوندی از طریق ازدواج برقرار کرده بود و یا مثلا ایلخانهای بختیاری نه تنها رهبر رسمی کنفدراسیون بلکه والی چارمحال و بختیاری و بود (احمدی ۷۵-۷۰) هر چند حضور فرهنگی اقوام و ایلات همواره در طول تاریخ منجر به زایش و پویایی فرهنگی شده است، اما در عین حال به دلیل برخی متغیرهای مهم و تاثیرگذار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در عرصه های داخلی و خارجی شرایط و بسترهای بروز مشکلات و آسیب در حوزه های قومی مهیا و نمودار شده است. در نهایت نوع و چگونگی مناسبات و پیوندهای میان حکومت و اقوام از طریق طراحی و تعریف رویه های قانونی و اجرایی مشخص که مجموعه سیاست و مدیریت قومی نامیده می شود تعیین شده است (صالحی امیری ۱۳۸۵: ۱۴)

با توجه به تغییر و تحولات گسترده ای که در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به ویژه در دهه های اخیر در کشور ایران به وقوع پیوسته است، بدون تردید تمام شئون حیات قومی و عشیره ای نیز از آن بی تاثیر نبوده و این تحولات و دگرگونی ها اثراتی بر روابط میان افراد، جامعه قومی و نظام سیاسی کشور داشته است. با توجه به تجربیات گذشته، امروزه نیازمند بازبینی سیاستها و الگوهای مدیریتی موجود از یکسو و تجربه جهانی از سوی دیگر هستیم تا مطابق